

مراکز آموزشی و فرهنگی مصر در عصر ممالیک

سیده‌لیلا تقوی سنگدهی^۱

بهرام بهرامی^۲

رقیه منافی^۳

چکیده

سرزمین مصر در زمان حکومت ممالیک (۶۴۸-۹۲۳ ق) به پایتخت فرهنگی جهان اسلام و محل ظهور و بروز مراکز و مؤسسات بزرگ آموزشی و چهره‌های شاخص در زمینه علوم مختلف تبدیل شد. این مقاله تلاش نموده به روش توصیفی-تحلیلی ضمن بررسی نهادهای آموزشی و فرهنگی ممالیک، کارکردهای آنان را نیز موردتوجه قرار دهد. این بررسی نشان می‌دهد سلاطین ممالیک به همراه بسیاری از اقشار دارای ثروت، قدرت، پایگاه دینی و اجتماعی به ساخت یا بازسازی و اختصاص موقوفات به مراکز آموزشی مانند مساجد، مدارس، کتابخانه‌ها، خانقاه‌ها، رباط‌ها و زوایا پردازند و به پیشرفت علمی و فرهنگی جهان اسلام در این دوران کمک نمایند. برخی از این مراکز دارای کارکردهایی مانند نظامی، پزشکی، محل صوفیان، مرکز عبادی و ... بودند اما در این دوران دارای کارکرد آموزشی نیز شدند و به آموزش رشته‌های مختلف علوم می‌پرداختند.

واژگان کلیدی

ممالیک بحری، ممالیک برجی، مراکز آموزشی.

۱. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه زنجان - sangdehi@yahoo.com
۲. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه زنجان - Bahram.Bahrami40@yahoo.com
۳. کارشناس ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه زنجان - tamadon.mahruz@yahoo.com
تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۸/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱۰/۲۹

مقدمه

ممالیک، غلامانی بودند که پس از سقوط ایوبیان در سده هفتم هجری طی سال‌های ۶۴۸ تا ۹۲۳ قمری در مصر و شام حکومت تشکیل دادند. آنان به دو دسته ممالیک بحری و ممالیک برجی تقسیم شدند. علی‌رغم آن‌که سلاطین ممالیک به خصوص ممالیک برجی خیلی افراد تعلیم دیده‌ای نبودند اما با این حال سیاست ایوبیان در ساخت و رونق مراکز آموزشی را پیشه خود ساختند. بسیاری از مراکز ساخته شده در دوره ایوبیان یا در این دوره بازسازی شد یا با کمک سلاطین، توان‌گران و دین‌داران، مراکز جدیدی ساخته شد. که از جمله می‌توان به مکتب‌خانه‌ها، جوامع و مساجد، مدارس، خانقاه‌ها و زوایا و بیمارستان‌ها اشاره نمود. اندیش‌مندان و عالمان بزرگی نیز در این دوران ظهور یافتند که یا دانش‌آموخته این مراکز بودند و بعد از مدتی به مرتبه استادی رسیدند یا خود از اساتید، سرپرستان و واقفان این مراکز بودند. در رونق مراکز علمی این زمان نیز به نقش دانشمندان مسلمانی اشاره نمود که در پی تهاجم ویران‌گرانه مغولان به سرزمین مصر و شام پناه آوردند.

مراکز علمی عصر ممالیک

سلاطین ممالیک از همان آغاز روی کار آمدن، علاوه بر تعمیر، به ساخت بنیادهای علمی برای نشر دانش دست زدند. مصر در این زمان به داشتن تعداد زیادی از مراکز علمی در نشر فرهنگ و معرفت معروف شده بود. حرکت علمی در این مراکز استمرار داشت و بیش‌تر آن مراکز نیز مکانی برای تصنیف کتاب داشت. آن مراکز مکتب‌ها، جوامع و مساجد، مدارس، خانقاه‌ها، رباط‌ها و زوایه‌ها، بیمارستان‌ها بودند که در ذیل مورد بررسی و واکاوی قرار می‌گیرند. (عزالدین، ۱۴۱۰: ۲۹)

مکاتب

مکتب‌ها در دامنه وسیعی در زمان ممالیک انتشار یافتند و به دو نوع شناخته می‌شدند. مکاتب اهلیه یا خاصه که در آن کودکانی که اهل یک حرفه خاص بودند، آموزش می‌دیدند و تعلیمی هم که به آن‌ها داده می‌شد، خاص آن حرفه بود. هزینه تحصیل آن‌ها را نیز صاحبانشان می‌پرداختند. مکاتب عمومی نیز توسط اصحاب

صاحب مناصب و ثروت در دولت شامل سلاطین، امرا و افراد برجسته و تجار و علما اداره می‌شد. تعلیم در آن برای ایتم، نیازمندان (فقرا) و فرزندان سربازان بی‌کار برای کسب ثواب و رضای خداوند رایگان بود. به سفارش بعضی از واقفان به کسانی که به سن بلوغ نرسیده بودند، تحصیل رایگان داده می‌شد و هزینه‌های نقدی و غیرنقدی آن‌ها مثل تهیه کاغذ، جوهر، قلم با مکتب بود. در مراسم و اعیاد علاوه بر فرش و لباس، به آن‌ها شکر، حلوا، سیب و خوردنی‌های دیگر می‌بخشیدند. این نوع از مکاتب به «مکاتب السبیل» یا «مکاتب الایتم» مشهور بود. و اصالت این نوع مکاتب به دوران رسول خدا ﷺ برمی‌گردد. (عزالدین، ۱۴۱۰: ۲۹-۳۰) مکاتب تقریباً در همه جوامع از پایه‌های اولیه نظام آموزشی محسوب می‌شد و در عصر ممالیک نیز این مکاتب هم‌چنان مورد توجه بودند.

جوامع و مساجد

مساجد از روزگار پیامبر ﷺ علاوه بر این‌که جایگاه دینی داشتند به مرکزی برای تدریس علوم مختلف نیز مبدل گردیدند و این روند تا عصر ممالیک ادامه داشت. دانشگاه‌های اسلامی مانند دیگر پدیده‌های زندگی یک‌باره به وجود نیامدند بلکه دوره‌های پی‌درپی و دگرگونی‌های بسیار را پشت سر گذاشته تا این‌که رشد و کمال یافتند. ساخت مسجد در مصر توسط عمرو بن عاص شروع شد و به تقلید از آن در همه دوره‌ها جوامع و مساجدی ساخته شد که علاوه بر مسائل عبادی در آن قرآن و علوم دینی نیز آموزش داده می‌شد. دوره ممالیک از دورانی است که مراکز تعلیمی رشد و گسترش فراوانی یافت. از جامع‌های فراوان دوران ممالیک که هم وظیفه دینی، فرهنگی و هم وظیفه علمی داشتند چندین نمونه بلندآوازه بودند که در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود:

۱. جامع عمرو عاص

جامع عمرو (نخستین مسجد ساخته شده در سرزمین مصر و سراسر آفریقا)، کانون آموزشی مهمی در روزگار مملوکان بود. حلقه‌های درسی فراوانی در آن برپا می‌شد. فرمان‌گزاران از جمله بیبرس، قلاوون، و برقوق در بازسازی این مسجد کوشیدند. (ساکت، ۱۳۷۷: ۲۱۵) مقریزی می‌نویسد که پیش از وبای سال (۷۴۹ هـ/ ۱۳۴۸ م) چهل

و اند حلقه درس در این مسجد برپا بود. درس‌های فقهی، حدیث و پزشکی از جمله دروس تدریسی در این مسجد بودند. (مقریزی، ۱۴۱۸، ب، ج ۴: ۱۵-۱۸)

۲. جامع ابن طولون

جامع ابن طولون که توسط احمد بن طولون در سال ۲۶۳ قمری ساخته شد در زمان ممالیک به صورت ویرانه‌ای بود تا آن‌که در سال (۶۹۶ هـ/ ۱۲۹۶ م) منصور لاجین آن را بازسازی کرد در این زمان فقه، تفسیر، حدیث و پزشکی در آن تدریس می‌شد. (مقریزی، ۱۴۱۸، ب، ج ۴: ۴۳) (همان، ۲۹۸)

۳. جامع الأزهر

جامع الأزهر کهن‌ترین نهاد آموزشی - دینی بازمانده از روزگار فاطمیان است. جوهر صقلی سردار المعز فاطمی در پی فتح مصر، آن را در قاهره بنا نهاد. (سیوطی، ۱۳۸۷، ب، ج ۲: ۲۵۱) بنای الأزهر در (۳۵۹ هـ/ ۹۷۰ م) آغاز و (۳۶۱ هـ/ ۹۷۲ م) پایان یافت. با تأسیس دومین نهاد آموزشی فاطمی موسوم به دارالعلم، تا اندازه‌ای از اهمیت الأزهر کاسته شد و ظاهراً از این پس تدریس مباحث مختلف در دارالعلم آموزش داده می‌شد. از زمان صلاح‌الدین ایوبی، که دروس شافعی و حنفی در آن تدریس می‌شد، دوباره الأزهر به رکود گرایید و مواد درسی آن به عنوان یکی از نهادهای آموزشی اهل سنت به علوم ادبی و مباحث فقهی و حدیثی محدود گشت. (روحانی، ۱۳۶۹: ۱۶۹) در روزگار ممالیک بحری (۶۴۸-۷۸۴ هـ) به فرمان بیبرس الأزهر احیا شد و نماز جمعه در سال ۶۶۵ قمری در آن اقامه گردید. (نوبیری، ۱۴۲۳، ج ۳: ۱۳۵) و به تدریج اعتبار خود را باز یافت. (سیوطی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۵۱؛ مقریزی، ۱۴۱۸، ب، ج ۴: ۵۱)

موقوفه‌های غصب شده ازهر توسط امیر ایدمر حلی، بازپس گرفته شد و سرمایه‌ای بر آن افزود و از بیبرس نیز کمک مادی و معنوی گرفت. (مقریزی، ۱۴۱۸، ب، ج ۴: ۵۱-۵۲) در سال ۷۶۱ قمری، امیر طواشی سعدالدین بشیر جامدار ناصری ازهر را تعمیر و اصلاح کرد و چنان کوششی در این راه انجام داد که گویی ازهر را از نو بنا کرده و مقصوره‌ها ساخت و در آن صندوق‌های قرآن و خزانه کتب تعبیه نمود. در این زمان، مکتبی نیز ضمیمه ازهر شد که کودکان فقیر در آنجا قرائت قرآن و خواندن و نوشتن

بیاورند. (مقریزی، ۱۴۱۸، ب، ج ۴: ۵۶) و چون در آن زمان برای طلاب و مجاوران فقیر مسجد خوراک می‌پختند، دیگ‌های مسی بزرگ وقف ازهر کرد. در عهد ناصر در محراب بزرگ مسجد جلسات درس برای فقه حنفی ترتیب داده شد و اموال فراوانی وقف این کار شد. (مقریزی، ۱۴۱۸، ب، ج ۴: ۵۶)

توجه به ازهر در عصر ممالیک برجی (۷۸۴-۹۲۳ هـ. ق) نیز ادامه داشت. اما تحصیل در علوم عقلی و دانش‌های ریاضی و پزشکی در آن رواج چندانی نداشته است. برجستگان نام‌آوری در شاخه‌های مختلف علوم چون شنطوفی، دمیری، مقریزی، سیوطی و سراج‌الدین بلقینی از جمله دانش‌آموختگان و مدرسان این دوره ازهرند. (سرو قامت، ۱۳۸۲: ۱۴۶) قایتبای (۸۷۲-۹۰۱ هـ. ق) از پادشاهان ممالیک در سال ۹۰۰ قمری ازهر را مورد توجه قرار داده و ساختمان‌های متعددی برای طالبان و دانش‌جویان بی‌خانمان و بی‌نوا بر آن افزود و دانش‌مندان فقیر را در آن سکنی داد. قانصوه غوری (۹۰۶-۹۲۲ هـ. ق) نیز مناره‌هایی که هنوز هم پا برجاست بر بنای ازهر افزود. (محیط طباطبایی، ۱۳۱۷: ۱۲)

۴. جامع قلعه

ناصرالدین محمد (۶۹۲-۷۴۲ هـ. ق) مساجد زیادی ساخت که از جمله این مساجد، جامع قلعه بود. وی آن را در سال ۷۲۸ قمری تأسیس نمود. این جامع دارای بیست مؤذن به ترتیب رتبه بود و قرائت قرآن نیز در آن ترتیب داده شده بود. از بهترین مؤذنان، قاریان و خطیبان مصر برای آن مسجد انتخاب شد و سلطان در طول حیاتش همواره به این مسجد نظارت و عنایت داشت. (مقریزی، ۱۴۱۸، ب، ج ۴: ۱۳۶-۱۳۷) او ضمناً جامع جدید را نیز در ۷۲۲ قمری ساخت و قاضی القضاة بدرالدین محمد بن جماعه شافعی (۶۳۹-۷۳۳ هـ. ق) را خطیب آن قرار داد. (مقریزی، ۱۴۱۸، الف، ج ۲: ۱۱۴)

۵. مسجد یا مدرسه سلطان حسن

سلطان حسن قلاوون ساختمان آن را در سال (۷۵۷ هـ/ ۱۳۵۶ م) آغاز و تا سال وفاتش در سال (۷۶۲ هـ/ ۱۳۶۱ م) ادامه داد. (حمدی عبدالمنعم، ۲۰۰۰: ۲۸۲) طرح این مسجد موافق با مدل مملوکی و دارای چهار ایوان مشرف بر صحن می‌باشد که در آن

نماز برپا می‌شد. (غنیمه، ۱۳۷۷: ۱۴۴) بنا مشتمل بر یک مسجد و مدرسه می‌باشد. در هر ایوان این مسجد زاویه‌ای به یکی از مدارس مذاهب چهارگانه شافعی، حنفی، مالکی و حنبلی وصل می‌شد و از بزرگ‌ترین این مدرسه‌ها، مدرسه حنفیان بود. بزرگ‌ترین ایوان آن، ایوان شرقی بود که در ساخت آن از مرمر و سنگ لوکس رنگی استفاده شده و در چهارچوب هریک از دیوارها آیاتی از سوره فتح به خط کوفی گل‌دار با گچ نوشته شده بود. (مقریزی، ۱۴۱۸، ب، ج ۴: ۱۲۱-۱۲۳) این مسجد از بزرگ‌ترین مساجد مصر از لحاظ ساختمان و دارای عالی‌ترین بنا بود که نشان می‌دهد همت بلندی در پشت ساخت بنا لحاظ شده است. (حمیدی عبدالمنعم، ۲۰۰۰: ۲۸۳)

۶. مسجد مؤیدی

این مسجد به سال (۸۲۲ هـ/ ۱۴۱۹ م) به دست مؤید، یکی از استادان قاهره ساخته شد. او خود به تدریس در این مسجد نشست. دانشمندان بزرگ و سرشناسی مانند ابن حجر عسقلانی، شیخ یحیی بن مغربی، بدرالدین عینی و شمس‌الدین محمد بن یحیی، استاد قرائت‌های قرآن در مسجد مؤیدی به تدریس سرگرم بودند. این مسجد کتاب‌خانه بزرگی با کتاب‌های بسیار در رشته‌های گوناگون داشت. (مقریزی، ۱۴۱۸، ب، ج ۴: ۱۴۲-۱۴۴)

علاوه بر این‌ها تعداد دیگری از جوامع نیز توسط سلاطین و امرا و افراد سرشناس ساخته شد که از جمله می‌توان به جوامعی مانند جامع سلطان ناصر محمد نزدیک دهانه خلیج ناصری و معروف به جامع ناصری در سال (۷۱۱ هـ/ ۱۳۱۱ م)، جامع سیف‌الدین کرای منصور (۷۲۱ هـ/ ۱۳۲۱ م)، مسجد قایتبای (۸۷۷-۸۷۹ هـ/ ۱۴۷۲-۱۴۷۴ م)، (حتی، ۱۳۸۰: ۸۷۹) جامع ظاهر بیبرس در سال (۶۶۵ هـ/ ۱۲۶۶ م)، (مقریزی، ۱۴۱۸، ب، ج ۴: ۹۵) جامع امیرآیدمر خطیری (۷۳۷ هـ)، (مقریزی، ۱۴۱۸، ب، ج ۴: ۱۱۵) جامع دختر ملک ظاهر، جامع الماس حاجب (۷۳۰ هـ/ ۱۳۳۰ م)، جامع قوصون (۷۳۰ هـ/ ۱۳۳۰ م)، جامع ظاهر در باب قرافه، جامع آل ملک با حسینی (۷۳۲ هـ/ ۱۳۳۲ م)، جامع سیفی بشتاک (۷۳۶ هـ/ ۱۳۳۶ م)، جامع امیر سیف‌الدین طنبا ماردانی (۷۲۶ هـ/ ۱۳۲۶ م)، جامع ابن طباح در باب لوق، جامع سیف‌الدین کرجی نقیب و جامع امیر شمس‌الدین آق سنقر اشاره نمود. (ناصر الحجی، ۱۴۱۲: ۱۳۶)

بعضی از این جوامع اقامتگاهی برای افرادی که از سایر سرزمین‌ها می‌آمدند، داشتند. در بعضی از این‌ها هر روز طعام، نان و گوشت برای ساکنان در نظر گرفته می‌شد. (ناصر الحجی، ۱۴۱۲: ۱۴۳) تعدادی از جوامع و مساجد این عصر به فعالیت و نشاط علمی مشهورند. از جمله خشایبیه، مجدیه، صاحبیه، کمالیه، تاجیه، معینیه، علائیه و زبینه. برخی جوامع مانند جامع طولونی به فقه چهار مذهب و در کنار آن تفسیر، حدیث و طب اختصاص یافته بود. (مقریزی، ۱۴۱۸، ب، ج ۴: ۴۳) در بعضی از جوامع دیگر این عصر مثل جامع خطیری و جامع سودون نیز دروس فقهی تدریس می‌شد. (عزالدین، ۱۴۱۰: ۶۷)

در ضمن جوامع کتابخانه‌هایی داشتند؛ جامع خطیری در بولاق، جامع سلطان حسن و جامع مؤیدی دارای کتابخانه‌های بزرگی بودند که محتوی کتاب‌های نفیس در علوم مختلف دینی، شرعی و لغوی می‌شد. (مقریزی، ۱۴۱۸، ب، ج ۴: ۱۱۵، ۱۲۱، ۱۴۲) کتابخانه‌های مسجد جامع ابن طولون، جامع الازهر و جامع الحاکم قبل از زمان مماليک ساخته شدند و در طی عصر مملوکی به عملکرد خود ادامه دادند. (عزالدین، ۱۴۱۰: ۸۲) «جامع ظاهر» بیبرس بندقداری، (ابن حجر، ۱۳۹۲، ج ۶: ۱۹۰) «جامع ایض» سلطان فرج بن برقوق نیز کتابخانه‌هایی با کتب وقفی بسیار داشتند. (سیدنشار، ۱۴۱۳: ۸۶) از کتابخانه‌های جوامع عصر مملوکی «جامع مؤیدی» سلطان مؤید شیخ محمودی در (۸۲۲ هـ/ ۱۴۱۹ م) آن را ساخت. (سیدنشار، ۱۴۱۳: ۸۶) «جامع اُزبک» سلطان ظاهر جقمق، کتابخانه «جامع اُزبک» که سلطان ظاهر جقمق در (۹ هـ/ ۱۵ م) و کتابخانه «جامع امیر خایربک» یکی از امرای عهد سلطان قانصوه غوری که در سال (۹۰۸ هـ/ ۱۵۰۲ م) آن را احداث نمودند. (سیدنشار، ۱۴۱۳: ۸۷) همه این جوامع و مساجد نقش مهم و سهم بزرگی در خدمت به اهداف دینی و علمی دوران مملوکی ایفا کرده‌اند. جوامع مرکزی مکانی برای عبادت، تعلیم، کمک‌رسانی، مشورت و راهنمایی بودند و تعداد زیادی از طلاب و فقها را در خود جای می‌دادند و به خصوص در علوم دینی چهره‌های سرشناسی در این جومع یا آموزش دیدند یا به امر آموزش پرداختند.

مدارس

اهتمام مماليک به امر تعلیم تنها به مکان‌های عبادی محدود نشد. بلکه آن‌ها

تعداد زیادی مدرسه برای عنایت به امر تعلیم و شکوفایی علم و دانش ساختند. سلاطین، امرا، و علمای شایسته‌ای در این عمارت‌های تعلیم ساکن می‌شدند. (ناصرالحجی، ۱۴۱۲: ۱۴۶-۱۴۷)

مصر در این دوران شاهد جنبش مدرسه‌سازی بود که با حمایت کامل سلاطین همراه شد. بی‌شک اهداف اساسی سیاسی و دینی در پشت ساخت مدرسه‌ها وجود داشت تا بدین وسیله حکومت بتواند از سویی سبب گسترش عقاید و آداب دینی در جامعه اسلامی شود. از سویی دیگر، مدارس مرکزی برای حضور علما، فقها و قضات بود. در نتیجه حاکمان با ساخت و کمک به مدارس می‌توانستند رابطه قوی بین خود و طبقه علما، فقها، دانشمندان و متعلمین برقرار سازند.

اگر ساخت مدارس در روزگار فاطمیان و ایوبیان با پایه‌گذاری مدارس در دوره مملوکان مورد ارزیابی قرار گیرد این نتیجه حاصل می‌شود که به‌راستی روزگار مملوکان از لحاظ گستراندن دانش و روی‌آوری به مدرسه‌سازی عصر زرین به شمار می‌آید. سلاطین و امرا و ثروت‌مندان هرکدام در حد خودشان در مدرسه‌سازی سهم داشته‌اند تا جایی که تعداد آن‌ها بیش از حد شمارش می‌باشد. (ناصرالحجی، ۱۴۱۲: ۱۴۶-۱۴۸) در ذیل تعدادی از این مدارس آمده است:

۱. مدرسه ظاهریه

ظاهر بیبرس در سال (۶۶۰ هـ/ ۱۲۶۱ م) این مدرسه را در کنار قبر صالح نجم‌الدین ایوب بنا کرد و کتبی در علوم و معارف به آن افزود. (نویری، ۱۴۲۳، ج ۳: ۹۳؛ سیوطی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۶۴) او اوقافی برای این مدرسه تعیین و مستخدمانی برای مرتب کردن امور در نظر گرفت. (غنیمه، ۱۳۷۷: ۱۳۹) در آن موقع وی از علما و فقها و قاریان همه فرق - شافعیان، حنفیان، مالکیان و حنبلیان - برای تدریس و تعلیم در آن دعوت کرد. (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۴: ۲۲۵) بیبرس تنها به ساخت این مدرسه اکتفا نکرد بلکه در جوار این مدرسه مکتبی برای ایتام مسلمانان ساخت تا قرآن به آن‌ها تعلیم داده شود. (حمدی عبدالمنعم، ۲۰۰۰: ۲۷۶) وجود اساتید هر چهار فقه اهل سنت بیان‌گر تسامح سلطان مملوکی بود.

۲. مدرسه ناصر محمد

این مدرسه را زین الدین کتبغا منصوری پی‌ریزی کرد. (سیوطی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۶۵) اما بعد از عزل وی، ملک ناصر که برای سومین بار روی کار می‌آمد، بنای این مدرسه را در سال (۷۰۳ هـ/ ۱۳۰۳ م) کامل کرد و از هر چهار مذهب برای آن مدرسی تعیین و کتاب‌خانه بزرگی را به آن ملحق کرد. (حمدی عبدالمنعم، ۲۰۰۰، ۲۸۱؛ غنیمه، ۱۳۷۷: ۱۴۱) وجود مدرسان چهار مذهب در اواخر عصر ممالیک بحری بیان‌گر ادامه روند تسامح و دوری از تعصب سلاطین آن دوره بود.

۳. مدرسه ظاهریه

از اولین مدارس ساخته شده در عصر ممالیک برجی بود که سلطان برقوق در سال (۷۸۶-۷۸۸ هـ/ ۱۳۸۴-۱۳۸۶ م) آن را تأسیس کرد و کتاب‌خانه بزرگی را بر آن افزود. (سیوطی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۷۱) سلطان فرج بن برقوق نیز مدرسه‌ای را با نام «ناصریه» در (۸۱۲ هـ/ ۱۴۰۹ م) ساخت و کتاب‌های زیادی را بر آن وقف کرد. (ابن کثیر، ۲۹۶، ۱۹۶۶) سلاطین دیگر مانند ظاهر بیبرس مدرسه ظاهریه، ملک منصور قلاوون مدرسه منصوریه، ناصر محمد مدرسه ناصریه، ناصر حسن مدرسه بزرگ خود و برادرش اشرف شعبان مدرسه اشرفیه و ظاهر برقوق مدرسه ظاهریه (ناصرالحجی، ۱۴۱۲: ۱۴۸) و سلطان ابونصر برسبای دقماقی مدرسه اشرفیه را در سال (۸۲۶-۸۲۹ هـ/ ۱۴۲۳-۱۴۲۶ م) ساختند. (سیدنشار، ۱۴۱۳: ۹۲-۹۳) در خلال آن فرزندان امرای بزرگ نیز مدرسی ساختند.

نه تنها فرمان‌روایان بلکه توان‌گران، نیکوکاران و دین‌داران نیز به ساخت و بازسازی مدرسه‌ها پرداختند. حتی برخی از زنان نیز گرایش به ساخت مدرسه‌ها از خود نشان دادند. برای نمونه، خوند برکه مادر سلطان اشرف مدرسه أم سلطان را در سال ۷۷۱ قمری ساخت. آیدکین، همسر امیر سیف‌الدین بکجا ناصری در سال (۷۵۱ قمری «مدرسه صغیره»، و خوند تتر حجازی مدرسه حجازیه را ساختند. (مقریزی، ۱۴۱۸، ب، ج ۴: ۲۵۸، ۲۳۰، ۲۴۹)

نکته قابل‌تأمل دیگر در بررسی مدارس عصر مملوک آن است که درجه اعتبار و اهمیت مدارس، رشته‌های تحصیلی، فقه مورد پذیرش در مدارس مختلف فرق داشت.

بعضی از این مدرسه‌ها بسیار مورد توجه بودند، مثل مدرسه ظاهریه بیبرس که در ۶۶۲ قمری ساخته شد. (مقریزی، ۱۴۱۸ ب، ج ۴: ۲۲۴)

بعضی از مدارس علاوه بر مدرس؛ معید، طلاب و مستخدم داشت. بعضی از مدارس علاوه بر کارکرد تعلیمی، مکانی برای انجام شعائر دین مثل خواندن نمازهای پنج‌گانه، مرکزی برای وعظ و ارشاد بود. (ناصرالحجی، ۱۴۱۲: ۱۵۳-۱۵۴) مانند «مدرسه صالحیه» که خطیب شافعی در آن می‌نشست و مؤذنین برای اقامه نماز اذان می‌گفتند. (مقریزی، ۱۴۱۸ ب، ج ۴: ۲۱۷) در «مدرسه ناصریه» نیز وجود ائمه و مؤذن از شروط واقف بود، و هر کدام از آن‌ها از محل وقف حقوق دریافت می‌کردند. وظیفه مدارس نیز طبق آن چیزی که واقف امر کرده بود، باید جلو می‌رفت. (مقریزی، ۱۴۱۸ ب، ج ۴: ۲۵۹-۲۶۰)

بعضی از این مدارس مخصوص فقه چهار مذهب، بعضی مختص فقه شافعی، بعضی برای فقه حنفی و بعضی برای مالکیان بود. اما اغلب این مدارس برای فقه شافعی و حنفی در نظر گرفته می‌شد. (ناصرالحجی، ۱۴۱۲، ۱۵۷) بعضی از مدارس مخصوص تدریس طب مثل «مدرسه منصوریه» بود. (مقریزی، ۱۴۱۸ ب، ج ۴: ۲۲۶) بعضی مدارس علاوه بر تدریس مانند خانقاه‌ها مکانی برای عبادت نیز بود، مثل «مدرسه مهمنداریه» که امیر شهاب الدین بن آقوش در سال ۷۲۵ قمری ساخت، که هم مدرسه و هم خانقاه بود. (مقریزی، ۱۴۱۸ ب، ج ۴: ۲۵۷) «مدرسه جمالیه» نیز که امیر وزیر علاءالدین مغلطای در سال (۷۳۰ هـ/ ۱۳۳۰ م) آن را تأسیس کرد، مکانی برای درس و خانقاهی برای صوفیان بود. (مقریزی، ۱۴۱۸ ب، ج ۴: ۲۸۸)

در میان مدرسه‌ها، مدرسه «جمالیه» و «صالحیه» شایان یادآوری است. پادشاهان ممالیک استادان این مدرسه‌ها را با دقت فراوانی می‌گزیدند. از آن‌جا که این مدرسه‌ها به دست پادشاهان، شاه‌زادگان، توان‌گران و دانش‌مندان توانا ساخته می‌شد، دارایی‌ها، املاک، گرمابه‌ها، مهمان‌سراها، مغازه‌ها و زمین‌هایی برای آن‌ها وقف می‌کردند تا همگی هزینه‌های آن‌ها آماده و پرداخت شود. (ساکت، ۱۳۷۷: ۲۲۷)

نکته دیگری که باید در مورد مدارس اشاره نمود، تعداد شاگردان و سن مدرسان بود؛ بر حسب وسعت بنا و درآمد حاصل از موقوفه‌ها، تعداد شاگردان مدارس متفاوت بود. (سیوطی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۶۹-۲۷۰)

برخی مانند مدرسه ناصر سلطان حسن بن قلاوون، تعداد شاگردانش بسیار بود.

(سیوطی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۶۹-۲۷۰) و برخی مانند مدرسه «البدیریه» شاگردان اندکی داشت و از سه نفر تجاوز نمی‌کرد. (مقریزی، ۱۴۱۸، ب، ج ۴: ۲۴۵) تعیین سن مدرسان نیز در مدارس وقفی به شروط واقفان بستگی داشت. بعضی از آن‌ها حدود چهل سال را برای مدرس شرط کرده بودند. در عین حال کسانی نیز بودند که سن بسیار پایینی داشتند از جمله می‌توان به «برهان بن دیری» مدرس مدرسه «فخریه»، ابن حجر عسقلانی، بدرالدین عینی و کافجی اشاره نمود. (عزالدین، ۱۴۱۰: ۵۶-۵۷) آن دسته از مدرسینی که قبل از تعیین سلاطین یا واقفین در بیش تر مدارس قادر به تدریس علوم بودند؛ یکی از آن‌ها «زین عراقی» بود که در سال ۷۹۳ قمری در مدرسه «ظاهره عتیقه» و «فاضلیه» تدریس می‌کرد. «عز حنبلی» تا قبل از وفاتش در سال (۸۷۶ هـ/ ۱۴۷۱ م) در مدارس «مؤیدیه»، «اشرفیه»، «جمالیه»، «حسنیه»، «ام سلطان» تدریس می‌کرد و نیز شیخ جامع الازهر بود. (عزالدین، ۱۴۱۰: ۵۷)

در مدارس این زمان سکوت همیشه رعایت می‌شد و از سؤال و جواب تجاوز نمی‌کرد و اگر بی ادبی صورت می‌گرفت، مجازات در پی داشت. مدرسان منصف بودند و غیر از مباحث درسی چیزی که خودشان به آن عالم به آن نبودند، از شاگردان انتظار نداشتند. (عزالدین، ۱۴۱۰: ۶۱-۶۲)

۴. مجالس املاء

برگزاری مجالس املاء نیز از نکات قابل توجه در رابطه با نظام آموزشی این دوران بود. املاء روشی بود که در پی سماع مرسوم گردید. رواج املاء از جمله نتایج انتشار کاغذ و گسترش دامنه کتابت بود. (غنیمه، ۱۳۷۷: ۲۳۷) در مجالس املاء روایت و سماع جریان داشت و از حدیث نبوی و سخنان ایشان بحث نمی‌کردند مگر این که متصدی آن عارف به حدیث و محصلان آن جمعی از حفاظ بودند. و هفته‌ای یک بار تشکیل می‌شد. (سیوطی، بی‌تا، ج ۲: ۱۳۲-۱۳۳ و ۱۳۹)

در نهایت می‌توان به سخن ابن بطوطه که در قرن هشتم از مدارس مصر دیدن کرده است، اشاره نمود؛ مدارس مصر بیرون از حد شمار است. رشته‌های مختلف علوم از فقه، حدیث، تفسیر، نحو، صرف، معانی، بیان، منطق، فلسفه، شیمی، هیأت و طب در آن‌ها تدریس می‌شد و هر مدرسه‌ای کتاب‌خانه‌ای داشت. مکتب‌خانه‌هایی نیز بودند

که در آن‌ها اطفال خواندن و نوشتن و قرآن با مختصری از حدیث، آداب شرع، مقدمات حساب، کمی لغت و شعر می‌آموختند. مکتب‌دار را «مؤدب» و دست‌یار او را تعریف می‌خواندند. هم‌چنانکه استاد مدرسه «مدرس» و دست‌یار او «معید» خوانده می‌شد. (ابن بطوطه، ۱۹۸۵: ۱۶۸-۱۶۹)

خانقاه‌ها، رباط‌ها و زوایا

خانقاه‌ها (واژه خانقاه را که در زبان تازی به «خَوَانِق» و «خَوَانِک» و گاهی «خانقاهات» جمع بسته‌اند. از خان یا خانه + گاه فارسی گرفته و بافته‌اند. برخی هم برآنند که این واژه از خوان (سفره) + گاه ترکیب یافته است؛ یعنی سفره‌خانه و جایی که به مسافران خوراک می‌داده‌اند. (ساکت، ۱۳۷۷: ۲۳۴-۲۳۵) هم‌چنین خانقاه خلوتگاه عابدان و صوفیان بود. (سید نشار، ۱۴۱۲: ۱۰۴) در عصر ممالیک، هم‌زمان با تبلیغ و انتشار طرق صوفیه در شهرها و روستاها، خانقاه‌ها گسترش یافت. خانقاه‌ها محل تجمع صوفیان بودند که ضمناً در آن‌جا اقامت داشتند و به عبادت و مراسم آیینی خود می‌پرداختند. هم‌چنین در این مکان‌ها آموزش نیز صورت می‌گرفت. بین واژه خانقاه، زاویه و رباط ارتباط بسیار نزدیکی وجود دارد. عموماً این سه واژه به یک معنا به کار رفتند. اما با این حال تفاوت‌هایی بین این سه واژه وجود دارد.

فضل تقدم در ساخت اولین خانقاه به صلاح‌الدین ایوبی برمی‌گردد که «خانقاه صلاحیه» یا سرای «سعید السعداء» را در سال ۵۶۹ قمری ساخت. (قلقشندی، ۱۹۸۷، ج ۱۱: ۳۶۶-۳۶۷) و ممالیک راه او را ادامه دادند.

خانقاه‌ها در روزگار ممالیک از دیدگاه سازماندهی، روش تدریس، گزینش دانش‌مندان ناظر بر حلقه‌های درس و وعظ و تفسیر به بالاترین پلکان خود رسید. (ناصرالحجی، ۱۴۱۲: ۱۶۱) «خانقاه سریاقوس» یکی از آن‌هاست. (ابن تغری، ج ۹: ۷۹) ملک ناصر به سال (۷۵۲ هـ/ ۱۳۲۴ م) در حالی که امیران و قاضیان و مشایخ خانقاه‌ها همراه او بودند، این خانقاه را افتتاح و قاضی القضاة «بدرالدین بن جماعه» شافعی را به استادی آن‌جا گماشت. (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۴: ۲۹۴) سرپرستی و استادی خانقاه‌ها با کسی بود که در دانش و دین‌داری سرآمد باشد. درس دادن به دانش‌جویان یکی از خواسته‌های بنیادین برخی از خانقاه‌ها به شمار می‌آمد. برای مثال «خانقاه شیخو» که امیر سیف‌الدین شیخو

عمری آن را در سال (۷۵۶ هـ/ ۱۳۵۵ م) ساخت، دروسی را برای فقهای مذاهب چهارگانه و نیز دروسی برای تدریس حدیث نبوی، درسی برای قرآن با روایات سبعة ترتیب داد و برای هر درسی مدرس و طلابی قرار داد که باید در سر جلسه درس حاضر می شدند. (مقریزی، ۱۴۱۸ ب، ج ۴: ۲۹۲؛ ناصرالحجی، ۱۴۱۲: ۱۶۲)

«خانقاه بیبرسیه» که رکن الدین بیبرس جاشنکیری در سال (۷۰۶ هـ/ ۱۳۰۶ م) آن را ساخت. (سیوطی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۲۶۵؛ مقریزی، ۱۴۱۸ ب، ج ۴: ۲۸۵) بزرگترین خانقاه مصر بود که رباط و بارگاه نیز داشت. ۴۰۰ صوفی در این بارگاه و ۱۰۰ سپاهی و طواشی (خادم) می زیستند. در بارگاه این خانقاه حدیث تدریس می شد و قاریان شب و روز قرآن می خواندند. (مقریزی، ۱۴۱۸ ب، ج ۴: ۲۸۵) این خانقاه اوقاف زیادی مانند املاک زراعی از دمشق، مصر، صعید و حماة دریافت کرد. (ناصرالحجی، ۱۴۱۲: ۱۶۱)

از خانقاه های زمان سلاطین ممالیک بحری می توان اشاره نمود به: خانقاه های رکنیه بیبرسیه، شرابیشیه، مهمنداریه، بشتاکیه، بندقداریه، شیخونیه، جاولیه، جمالیه (مغلبای)، جبغاویه، ارسلانیه، بکتمریه، قوصونیه، یونسیه و... (عزالدین، ۱۴۱۰: ۷۰)

در زمان ممالیک برجی نیز سلاطین و امراء و بعضی از تجار بزرگ مصر در ساخت خانقاه ها مشارکت کردند. از جمله خانقاه های منسوب به سلاطین برجی عبارتند از: خانقاه برقویه، خانقاه ناصریه (فرج بن برقوق)، خانقاه اشرفیه (برسبای)، خانقاه اینالیه، خانقاه قایتبای، خانقاه غوریه (عزالدین، ۱۴۱۰: ۷۰) از جمله خانقاه های منسوب به امراء دوره برجی نیز می توان به خانقاه زینیه، خانقاه جمالیه اشاره نمود. (عزالدین، ۱۴۱۰: ۷۰) خانقاه «خروویه» نیز منسوب به تجار بزرگ بود. (مقریزی، ۱۴۱۸ ب، ج ۴: ۳۰۱)

نکته قابل تأمل در مورد خانقاه ها این است که بسیاری از علمای معروف این دوران منسوب به خانقاه ها هستند. از جمله آن ها ابن حجر عسقلانی که در اول شیخ «خانقاه بیبرسیه» بود و در «خانقاه شیخونیه» فقه و حدیث می گفت. «محبی کافجی» شیخ خانقاه شیخونیه و «جلال الدین سیوطی» شیخ خانقاه بیبرسیه، مدرس تصوف در تربت

۱. خانقاه جمالیه را امیروزیر مغلطای جمالی در سال ۷۸۰ هجری بنا کرد. (مقریزی، ۱۴۱۸ ب، ج ۴: ۲۸۸)

امیر برقوق و نیز مدرس حدیث در خانقاه شیخونیه بود. «بدرالدین عینی» یکی از صوفیان برقوقیه و «عبدالباسط حنفی» یکی از صوفیان خانقاه شیخونیه بودند. هم‌چنان‌که «بدر بشتکی»^۱ و «شهاب منصوری» (متوفی: ۸۸۷ هـ/۱۴۸۲ م) صوفی خانقاه شیخونیه و از ادبا و شعرای مصر بود. (عزالدین، ۱۴۱۰: ۷۱) «علاء صفدی» (متوفی: ۸۷۰ هـ/۱۴۲۷ م) یکی از صوفیان خانقاه اشرفیه برسبای، عالم به دوازده علوم بود. اگرچه در خانقاه آموزش عملی تصوف و عرفان انجام می‌گرفت و شیخ‌الشیوخ سرپرست آن بود ولی گاهی دوشادوش مسجد و مدرسه در کار آموزشی سهم داشته است و در آن تعلیم برخی از رشته‌ها مانند فقه، حدیث، تفسیر، قرائت، طب، صرف و نحو صورت می‌گرفت. (سخاوی، بی تا، ۵: ۲۷۸-۲۷۷)

رباط‌ها

رباط را بسیاری هم معنا با خانقاه می‌دانند که در مناطق عرب نشین این واژه بیش‌تر از واژه فارسی خانقاه برای محل تجمع و اقامت و عبادت صوفیان به کار می‌رود. اما با این حال تفاوت‌هایی با خانقاه دارد. رباط در اصل به معنای بستن اسب در نقطه معین می‌باشد و جمع آن رُبط می‌باشد. در اصطلاح رباط به مرزرداری، اقامت‌گزیدن در مرزو نگهبانی دادن در اطراف کشور و حفظ آن در برابر حمله دشمن اطلاق می‌شود (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۷، ۳۰۱-۳۰۷). در عصر ممالیک رباط‌ها شبیه پناهگاهی برای مسلمانان فقیر و طالبان حدیث و تصوف و نیز پناهگاه سربازان جنگی بودند. برخلاف خانقاه که تنها برای صوفیان در نظر گرفته می‌شد (سید نشار، ۱۰۴، ۱۴۱۳) هم‌چنین در این دوران برخی از رباط‌ها دارای وظایف تعلیمی بودند و در آن‌ها آموزش علوم دینی صورت می‌گرفت. مشهورترین رباط در مصر «رباط الآثار» بود که صاحب تاج‌الدین محمد بن صاحب آن را از قطعات چوب و آهن ساخت. این رباط در عهد سلطان اشرف شعبان بن حسین مختص تعلیم فقه شافعی و دارای مدرسی برای تعلیم بود. این رباط کتاب‌خانه بزرگی داشت. (مقریزی، ۱۴۱۸، ب، ج ۴: ۳۰۵-۳۰۶)

«رباط افرم» منسوب به امیر عزالدین آیبک افرم از دیگر رباط‌ها است که شیخ

۱. بدر بشتکی (متوفی: ۸۳۰ هـ/۱۴۲۷ م) و منسوب به خانقاه بشتاک بود. (سخاوی، بی تا، ج ۶: ۲۷۷-۲۷۹)

صوفی در آن اقامت و تعلیم نیز در آن جریان داشت. هزینه‌های این مرکز دینی تعلیمی از راه وقف به دست می‌آمد. (ناصرالحجی، ۱۴۱۲: ۱۶۵) این مطلب را نیز باید یادآور شد که بعضی از زنان نیز در ساخت رباط‌ها برای تعلیم مشهور شدند. در قاهره «رباط بغدادیه» به دست دختر ملک ظاهر بیبرس به نام تذکار بای خاتون، در سال (۶۸۴ میلادی) ساخته شد. این رباط برای یک شیخه و مرشد زن بنام زینب دختر ابوالبرکات معروف به بنت البغداده و پیروانش بنیاد یافت. این زن پیوسته برای زنان سخن‌رانی می‌کرد و به آنان احکام دینی و اخلاقی می‌آموخت. (مقریزی، ۱۴۱۸، ب، ج ۴: ۳۰۳)

زویا

زویا جمع زاویه و آن از ارکان خانه بود و به معنای خانه کوچک نیز بود. اما در زمان ممالیک پناهگاه فقرا، صلحا، صوفیه، فقرا و جایگاه پرهیزگاران بود (سیدنشار، ۱۴۱۳، ۱۰۴) تفاوت این مکان با خانقاه و رباط آن بود که از آن‌ها کوچک‌تر بود و علاوه بر صوفیان پناهگاه فقرا و یتیمان بود. برخی نیز آن را بخشی از خانقاه دانستند که عموماً محب تجمع فقرا و طلاب بود، در این مرکز نیز به مسائل آموزشی اهمیت می‌دادند. زویا با اسامی شخصیت‌های دینی معروف و فاضل که در فقه مشهور بودند، ارتباط داشت. هم‌چنان‌که اعتبار آن‌ها با سلاطین ممالیک بود. زاویه جایی بود که شیخ با شاگردانش در آن جا زندگی می‌کردند و جایی برای اجتماع صوفیان، یادگیری تصوف و استماع قرائت قرآن و حدیث بود. البته بعضی زویا طبق وصیت واقف خدمات آن محدود بود و حتی بعضی از آن‌ها وصیت می‌کردند در آن جا دفن شوند. هم‌چنین امکان داشت منافع تعلیمی و اجتماعی آن برای طلاب علم و فقرا باشد. بعضی از امرای ممالیک به زاهدان زویا کمک مالی می‌نمودند و بعضی از آن‌ها نیز با درآمد حاصل از اوقاف زندگی می‌کردند. (ناصرالحجی، ۱۴۱۲: ۱۶۳)

از زویای معروف این عصر «زاویه رکراکی» بود که با شیخ معتقدی بنام ابی عبدالله مغربی، مالکی که در آن اقامت داشت، شناخته می‌شد. مردم نیز او را بسیار گرامی می‌داشتند. (مقریزی، ۱۴۱۸، ب، ج ۴: ۳۱۲) زاویه دمیاطی، زاویه شیخ خضر، زاویه ابن منظور، زاویه ظاهری، زاویه جمیزه، زاویه حلاوی، زاویه نصر و زاویه طراطریه نمونه شاخص دیگری در این زمینه‌اند. (مقریزی، ۱۴۱۸، ب، ج ۴: ۳۰۷-۳۱۶)

خانقاه، زاویه و رباط در تاریخ آموزش اسلامی نقش سترگی بازی کرده‌اند. اگرچه در خانقاه‌ها آموزش عملی تصوف و عرفان انجام می‌گرفته و «شیخ الشیوخ» سرپرست آن جا بوده است، ولی گاهی دوشادوش مسجد و مدرسه در کارهای آموزشی سهم داشته است. در واقع این مرکز که در آغاز برای کارهای دیگری بنیاد یافته بود در آموزش اسلامی جایگاه ویژه‌ای پیدا کرد. «رباط» از جایگاه پیکار با دشمنان خدا به پیکار با نفس؛ خانقاه از جای خوراک دادن به تهی‌دستان و مسافران به مدرسه تهذیب نفس و «زاویه» از خلوت‌کده زاهد و شیخ و پیر به کانون آموزش و تدریس تبدیل گردید. ضمناً این مراکز نیز کتاب‌خانه‌هایی داشتند، واقفان کتاب‌هایی را در آن جا برای اهل مطالعه و بحث و قرائت وقف می‌کردند. (مقیزی، ۱۴۱۸ ب، ج ۴: ۲۹۶) از کتاب خانه‌های رباط‌ها نیز می‌توان از «رباط صاحب تاج‌الدین بن فخرالدین» نام برد. (سیدنشار، ۱۴۱۳: ۱۰۶)

بیمارستان‌ها

دکتر احمد عیسی در کتابی که در باب بیمارستان‌ها نوشته چنین عقیده دارد که نخستین بیمارستان در تاریخ اسلام همان خیمه‌ای بوده است که پیامبر خدا ﷺ هنگام جنگ خندق برای درمان زخمیان در مسجد خویش در مدینه برافراشت و زنی بنام «رفیده» را برای رسیدگی به حال مجروحان برگماشت. (احمد عیسی، ۱۴۰۱: ۹) بیمارستان دو نوع می‌باشد محمول و ثابت. بیمارستان محمول؛ بیمارستان سیاری است که از جایی به جای دیگر منتقل می‌شود که معمولاً در جنگ‌ها یا در انتشار یک نوع بیماری در جای خاص کاربرد دارد. از بیمارستان‌های ثابت؛ بیمارستان نوری دمشق، بیمارستان قیمری، بیمارستان ارغون در حلب، بیمارستان قلاوون و بیمارستان مؤیدی در قلعه قاهره می‌باشد. (احمد عیسی، ۱۴۰۱: ۱۰)

بیمارستان قلاوون: که دارالشفای بیمارستان منصوری هم خوانده می‌شود، مشهورترین بیمارستان دوره ممالیک بود که در شهر قاهره و در راه بین القصرین قرار گرفته بود. (غنیمه، ۱۳۷۷: ۱۷۳)

بنا منحصر به بیمارستان نبود بلکه مدرسه و مسجدی نیز پیوسته آن بود. (ابن‌خلدون، ۱۴۰۸، ج ۵: ۴۶۲) و ساخت آن به سال (۶۸۳ هـ/ ۱۲۸۴ م) به پایان

رسید. (حتی، ۱۳۸۰: ۸۵۷) چنان‌که گفته‌اند بیمارستان قسمت‌های مجزا از یک دیگر مخصوص بیماری چون تب و چشم درد و اسهال و آرایشگاه، داروخانه، حمام، مطبخ و انبارها داشت. رئیس طبیبان در سالی که همه لوازم را آماده داشت، درس می‌داد. بیمارستان موقوفاتی نیز داشت که درآمد سالانه آن ۱,۰۰۰,۰۰۰ درهم بود. پرستاران زن و مرد بیماران زن و مرد را می‌پذیرفتند. (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۴: ۲۶۸-۲۷۲) به سبب فراوانی درآمدهای بیمارستان از طریق املاک فراوان وقفی، هزینه معالجه، دارو و غذا برای بیماران رایگان بود و پس از بهبود بیمار، لباس و مقادیری پول در اختیار او قرار داده می‌شد تا بلافاصله به زحمت نیفتد. (زرین‌کوب، ۱۳۸۷: ۵۸) در این بیمارستان برای بیماران روانی موسیقی آرامی پخش می‌شد. درمان بیماران فقیر مجانی بود. (عیسی احمد، ۱۴۰۱: ۸۳-۹۰) سلطان قلاوون «مدرسه منصوریه» را نیز در سال (۶۸۳-۶۸۴ هـ/۱۲۸۴-۱۲۸۵ م) جنب بیمارستان منصوری ساخت و کتابخانه‌ای را در انواع علوم به آن ملحق کرد. (مقریزی، ۱۴۱۸، ج ۴: ۲۲۶)

نتیجه

در این پژوهش، با بررسی مراکز آموزشی و فرهنگی مصر در عصر ممالیک، این نتایج حاصل شد؛ حکومت ممالیک که در قرن هفتم در پی ایوبیان به قدرت رسیدند و نزدیک به سه قرن (۶۴۸ - ۹۲۳ ق) در مصر و شام حکومت کردند در ایجاد مؤسسات و مراکز علمی و فرهنگی سیاست ایوبیان را ادامه دادند. اهم مراکز آموزشی و فرهنگی این دوران عبارتند از: مکتب‌خانه‌ها، مساجد و جوامع، که در ساخت و رونق آنان هم سلاطین و هم افراد مشهور نقش فعالی داشتند و موقوفات و کتاب‌خانه‌های مخصوص به خود داشتند. تعداد زیادی مدارس نیز در این دوران ساخته شد که بار اصلی تعلیم را برعهده داشتند و در ساخت آن علاوه بر سلاطین و امرا، توان‌گران، دین‌داران و حتی برخی از زنان صاحب ثروت و جایگاه نیز نقش فعالی داشتند. درجه اعتبار، علوم تدریس شده، وضعیت مکانی، تعداد استاد و طلبه و موقوفات مدارس با یک‌دیگر فرق داشت. بیمارستان‌ها از دیگر مراکزی بودند که علاوه بر وظیفه پزشکی و بهداشتی در دوران ممالیک به مرکزی برای آموزش تبدیل شدند. بیمارستان‌ها به دو دسته محمول و ثابت تقسیم می‌شدند و در برخی از بیمارستان‌های ثابت بخشی به آموزش اختصاص داشت و

برخی نیز کتابخانه داشتند و در نهایت باید از خانقاه‌ها، رباط‌ها و زوایا نام برد که هم‌زمان با رشد طریقت‌های صوفیانه، آن‌ها نیز رشد نمودند و در این زمان، وظیفه آموزشی نیز داشتند. در این مکان‌ها سرپرستی و استادی با کسی بود که در امور دینی و علمی سرآمد بود. گاهی در ساخت این مکان‌ها زن‌ها نیز نقش داشتند، برای گذران زندگی افراد ساکن در آن‌ها، اوقافی نیز به این اماکن اختصاص داشت. در کل همه مراکز یاد شده در رونق علمی دوران ممالیک سهم به‌سزایی ایفا می‌نمودند.

کتاب نامه

احمد، عیسی (۱۴۰۱ ق). *تاریخ الیمارستانات فی الاسلام*، الطبعة الثانية، بیروت، دارالرائد العربی.

ابن بطوطه، ابو عبد الله (۱۹۸۵ م). *تحفه النظر فی غرائب الامصار وعجائب الاسفار*، دار بیروت.

ابن تغری بردی، یوسف (بی تا). *النجوم الزاهرة فی ملوک مصر وقاهرة*، تحقیق محمد حسین شمس الدین، ج ۹، دارالکتب مصر، وزارة الثقافة و الإرشاد القومي.

ابن حجر، احمد بن علی (۱۳۹۲ ق). *الدرر الكامنة فی الاعیان المأثمة الثامنة*، تحقیق مراقبه محمد عبدالمعید ضان، ج ۶، صیدر آباد هند، مجلس دایرة المعارف العثمانية. ابن خلدون، عبدالرحمان (۱۴۰۸ ق). *دیوان المتبدل والخبر*، محقق خلیل شهاده، ج ۵، بیروت، دارالفکر.

ابن کثیر، عمادالدین اسماعیل، (۱۹۷۷) *البدایة والنهایة*، ج ۱۴، بیروت: مكتبة المعارف. ابن منظور، جمال الدین، (۱۴۱۴ ه. ق)، *لسان العرب*، ج ۴، بیروت، دار صادر. حتّی، فیلیپ خوری (۱۳۸۰). *تاریخ عرب*، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران، آگاه: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.

حمدی عبدالمنعم، محمد حسین (۲۰۰۰ م). *دراسات فی تاریخ الایوبیین و الممالیک*، دارالمعرفة الجامعیه.

روحانی، سید کاظم (۱۳۶۹). *نظری به تاریخ هزار ساله دانشگاه الازهر*، کیهان اندیشه، شماره ۳۳، آذرودی، ص ۱۶۹.

زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۸۷). *کارنامه اسلام*، تهران، انتشارات امیر کبیر. ساکت، محمد حسین (۱۳۷۷). *کانون های آموزشی در روزگار مملوکان مصر*، مطالعات اسلامی، شماره ۴۱ و ۴۲، پاییز و زمستان، صفحه ۲۱۵، ۲۱۶، ۲۲۵، ۲۲۷.

سخاوی، شمس الدین محمد (بی تا). *الضوء اللامع لاهل القرن التاسع*، ج ۱، ۵، ۶، بیروت، منشورات دارالمکبة الحیة.

سروقامت، حسین (۱۳۸۲). *نگاهی به یک دانشگاه اسلامی* (مطالعه موردی، دانشگاه الازهر مصر)، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، شماره ۱۸ و ۱۹، تابستان و پاییز، ص ۱۴۶.

سید النشار، سید (۱۴۱۳ ق). *تاریخ المكتبات فی مصر العصر المملوکی*، تقدیم محمد فتحی، عبدالهادی و جوزیف نسیم یوسف، لبنان، دارالمصدبه، الطبعة الاولى. سیوطی، عبدالرحمان (۱۳۸۷ ق). *حسن المحاضره*، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۲، دارالاحیاء الکتب العربی، عیسی البابی و شرکا، الطبعة الاولى.

_____ (بی تا). *تدریب الراوی فی شرح تقریب النووی*، تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف، ج ۲، الرياض، مكتبة الرياض الحديث.

عزالدين، محمد کمال الدين (۱۴۱۰ ق). *الحركة العلمية فی مصر فی دولة المماليک الجراكسة* (عوامل ازدهارها، مراکزها، سماتها)، بیروت، عام الكتاب، الطبعة الاولى.

غنیمه، عبدالرحیم (۱۳۷۷). *تاریخ دانشگاه های بزرگ اسلامی*، ترجمه نورالله کسائی، دانشگاه تهران.

قلقشندی، شهاب الدین احمد (۱۹۸۷). *صبح الاعشى فی صناعة الانشاء*، تحقیق د. یوسف علی، الطبعة الاولى. ج ۱۱، طویل، دمشق، دارالفکر.

محیط طباطبایی، محمد (۱۳۱۷). *قدیم ترین دانشگاه جهان جامع ازهر*، تعلیم و تربیت، شماره ۷، مهر، ص مقریزی، احمد بن علی (۱۴۱۸ ق). *المواعظ والاعتبار بذكر الخطط والاثار*، الطبعة الاولى، ج ۴، بیروت، دارالکتب العلمیة.

_____ (۱۴۱۸ ق). *السلوک لمعرفة الدول الملوک*، محقق محمد عبدالقادر عطا،

الطبعة الاولى، ج ۲، بیروت، دارالکتب العلمیة.

موسوی بجنوردی، کاظم (۱۳۸۴). *دانشنامه ایران*، ج ۲، تهران، مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.

ناصرالحجی، حیاة (۱۴۱۲ ق). *صور من الحضارة العربية الاسلامية فی سلطنة المماليک*،

كوىت، دار القلم، الطبعة الأولى.

نوىرى، شهاب الءىن (١٤٢٣ ق). *نهاىة الأرب فى فنون الأءب*، ج ٣٠، ٣٢، القاهره،
دار الكتب و الوئائق القومىة الطبعة الأولى.